



پیرچشم

پرچمی که زمین  
تخواهد ماند...

پیرچشم  
پیرچشم





چون فاطمه زهرا(س) مطالبه حق را بی‌ثمر دید جامه پوشید و خود راهی مسجد شد.



چه شده که اکنون دعوت مرا شنیده و یاری‌ام نمی‌کنید؟

...آری می‌بینم که شما خود را از مسئولیت تکالیف و وظایف دینی رها نموده‌اید!

و در مسجد پیامبر(ص) در حضور جمع کثیری از مهاجرین و انصار و مردم مدینه با آنان سخن گفت.



شب‌ها بر در خانه‌های مهاجرین، انصار و اصحاب جنگ بدر حاضر می‌شدند.



و حضرت فاطمه(س) یک‌یک آنان را به یاری و دفاع از حق دعوت می‌کرد.



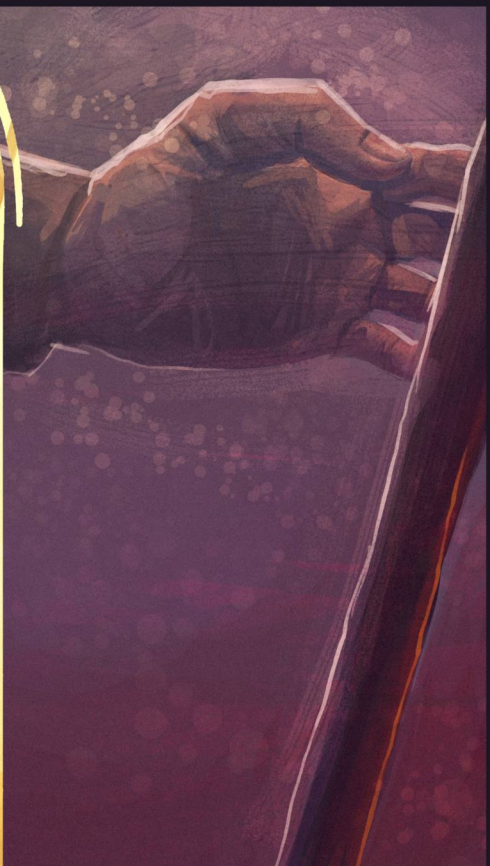


من دختر پیامبرتان هستم  
و شما با او بیعت کرده‌اید که از  
او و اهل بیتش همچون خود  
و فرزندان‌تان دفاع کنید.  
به پیمان‌تان عمل کنید!

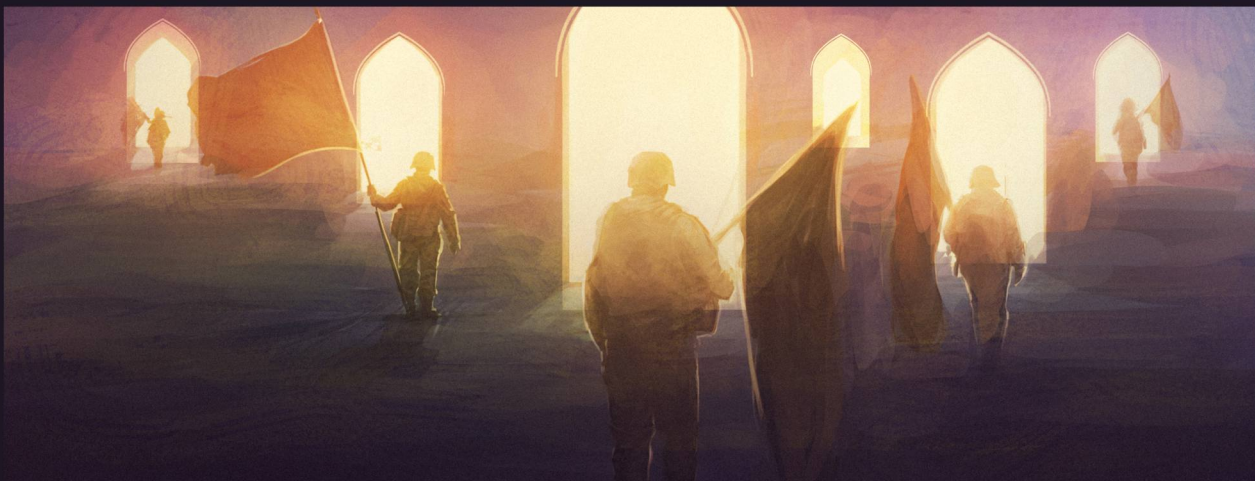
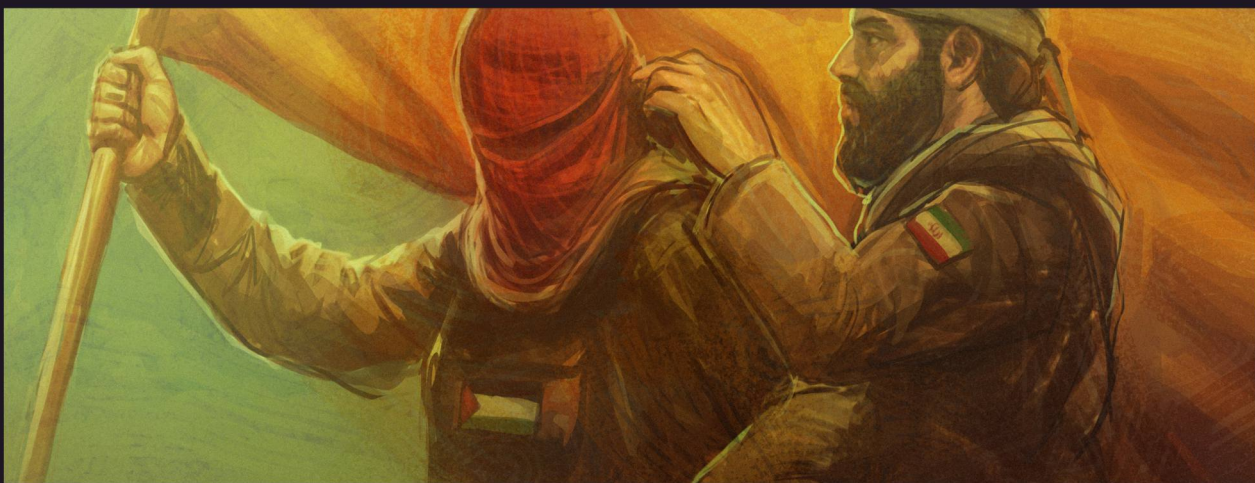


از میان همه آن مردمان، چهل و چند نفر  
دعوت را پذیرفتند و تعهد کردند که روز  
دیگر با سرهای تراشیده و سلاح بر دست  
حاضر شوند.

و چون روز شد جز چهار نفر کسی در  
مיעادگاه حاضر نشده بود...







هرچند صفحات تاریخ، شرمگینانه غربت بی‌مثال فاطمه(س) را در خود جا داد، اما فریاد حق طلبی او در دفاع از ولی خدا در امتداد تاریخ و دوران‌ها پیچید و بر جان‌های پاک مومنان نشست؛ همان مردمانی که وارث پرچم قیام گشتند، مجاهدانه آن را به دست گرفتند و بر این پیمان شدند که پرچم را برافراشته نگه دارند تا صبح پیروزی.





کتابخانه

بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سید قاسم سلیمانی  
SOLEIMANY . IR

«هر وقت در سختی‌های جنگ، فشارها بر ما  
حادث می‌شد و هیچ کاری از ما بر نمی‌آمد  
پناهگاهی جز زهرا سلام الله علیها را نداشتیم...»

سید محمد